آهنگِ زندگی هنوز طربناک است؛

در گذرهای تاریخی فَشتَهول و بُلاغی

اهالی دوست دارند بلاغی را با خاطرات گذشته به یاد داشته باشند می گویند دوستی بین ساکنان در این محله آنقدر زیاد بود که محرم‌ها، مسیحیان محل، پا به‌پای مسلمانان در اطعام و رونق دادن به مجالس مذهبی امام حسین(ع) کمک می کردند.
شاید مهم‌تر از توصیف بافت تاریخی محلات، توجه به همین اصالت فرهنگی است که این روزها فراموش شده که هر محله یک مرکز فرهنگی قوی بوده و بچه‌ها در چنین محیط هایی پرورش می یافتند.
این روزها روش‌های اداره و درآمدزایی در شهر این رد پا را کمرنگ کرده و تاریخ اجتماعی شهر را از بین برده است. شیوه‌ای که روح سوداگری در آن اصالت اجتماعی را از بین می‌برد و منطقه را با ساکنانی که به محله ارقی ندارند، بی‌هویت می کند.
به شهادت بسیاری از ساکنان بلاغی، آن ساکنان قدیمی‌اش اگر هم مجبور شده‌اند در آپارتمان‌ها یا مناطقی مثل مهرگان ساکن شوند، عمرشان کوتاه بود و دق کردند.
به روایتی «شهر محل خاطرات مشترک انسان‌هاست.» شهر را شهروندانش می‌سازند، شهروندانی که اهل آن هستند و به محل زندگی‌شان پایبندی و تعهد دارند و می‌خواهند در محلات خودشان زندگی کنند.

نفیسه کلهر

● محله ای در دل دیگری

محمدعلی حضرتی‌ها، تاریخ پژوه، محله بلاغی را بخشی از مرزهای غربیِ «پنبه ریسه» پیش از اسلام می‌داند.

او معتقد است شهر شاپوری پنبه‌زارهای شرقی و غربی داشت و پنبه‌زارهای شرقی شهر حالا محله پنبه ریسه نام دارد. رودخانه اَرَنزک که امروز از میان خیابان باغ دبیر بسترش را گسترانده، آن زمان تقریباً در وسط محله جاری بود و اطرافش پنبه‌زارهایی قرار داشت که بعدها مسکونی شد و به محله «پنبه ریسه» شهرت یافت؛ در واقع بخشی از مزارع پنبه که در بخش غربی رودخانه بود، در دوره اسلامی به شهر ملحق شد. در تاریخ آمده که قزوین در آن زمان صادر کننده منسوجات نخی بوده است.

حضرتی‌ها معتقد است؛ پنبه ریسه شامل سه قسمت بود؛«بلاغی»، «باغشاه» و «فَشتَهول» و مجموع این سه قسمت از جنوب خیابان طالقانی تا گذر محمدیه و از خیابان باغ دبیر تا محله خیابان بوده است.

هرچند هوشمندی که در خیابان طالقانی مغازه تعمیر لوازم الکترونیکی دارد، نام اصلی محله را بَلاغی می‌داند و می گوید این نام، نشان از بلاغت ساکنانش داشته و اغلب ساکنان این محله از فرهیختگان و ادیبان بودند؛ اما حضرتی‌ها در مورد نام این محله نظر دیگری دارد، او می گوید:«بُلاغی از نام چشمه یا همان بُلاغ گرفته‌شده و احتمالاً به خاطر نزدیکی رودخانه ارنزک انشعاباتی از این رودخانه در محله هم بوده است.»

این تاریخ پژوه معتقد است: «فشتهول هم نامی با ریشه پهلوی و منطقه‌ای است از بین «تل میرزا رسول» تا کوچه محمدیه.» و آنطور که آدرس می‌دهند تل میرزا رسول، قسمت بلند کوچه‌ای است که از شرق به سمت میدانگاه سرازیر می‌شود.

اهالی می گویند تل میرزا رسول تپه بزرگی بوده در نزدیکی خانه یکی از بزرگان محله به این نام.

● بالای شهرنشینان

محمدتقی صفریان که در بلاغی ساختمان‌سازی می کند می گوید: «ما ساکن «پایین ملّه» بودیم، سال ۱۳۴۷، حدوداً ۷ ساله بودم. شب چهارشنبه‌سوری بود و طبق سنت چمچه زنی، روبند انداختیم و برای قاشق زنی بیرون رفتیم، من فکر کردم برویم بالای شهر.» می‌خندد و در مورد بالای شهر می گوید: «آن موقع بلاغی شمال شهر بود. خیام فقط تا چهارراه شهرداری ساخته‌شده بود و فردوسی هم تا خانه بهشتی بیشتر نبود.» ادامه می‌دهد: «آمدیم این محله و قاشق زنی کردیم و هیچ‌وقت فراموش نمی کنم که در یک خانه آجرنما باز شد و مقداری سبزی‌پلو ماهی به من دادند. اولین بار بود سبزی‌پلو ماهی می‌خوردم.»

هرچند محمدعلی حضرتی‌ها تفکیک محلات به‌صورت امروزی به بالا و پایین شهر را پدیده‌ای جدید و متعلق به پس از دهه ۱۳۲۰ می‌داند و توضیح می‌دهد: «در گذشته محلات مثل امروز بالا و پایین نداشتند. همه محلات هم افراد متمول و ثروتمند و سرشناس داشتند و هم افراد ضعیف. در واقع هر محله ترکیبی از همه طبقات اجتماعی بود.» او ضمن اینکه از خانواده‌های بزرگی چون ملاک و ثروتمندان در سایر محلات شهر نام می‌برد، ادامه می‌دهد: «هرچند بلاغی و زرگره کوچه، مناطقی از شهر بودند که افراد متمول به نسبت سایر مناطق بیشتر در آنها ساکن بودند؛ این محله فرهنگیان و چهره‌های برجسته‌ای داشت، خانواده‌های مهم و با مشاغل تأثیرگذار؛ قاضی، پزشک، داروساز، کارخانه‌دار و... که در کنار خانواده‌های معلم و کارگر و... زندگی می کردند و به خوبی با هم تعامل داشتند.»

این پژوهشگر، همچنین با توجه به وجود کلیسا در این محله، در مورد بافت جمعیتی محله توضیح می‌دهد: « مسیحیان و ارامنه از دوره صفویه به بعد در قزوین سکنی گزیدند و با وجود اینکه به‌صورت پراکنده در مناطق دیگر هم سکونت داشتند؛ اما بیشتر در محله بلاغی ساکن بودند.»

● بنایی که آتشکده نبود

یکی از آثار شاخص محله بلاغی مسجد «حیدریه» یا آن‌طور که در «التدوین» امام رافعی و «تاریخ گزیده» حمداله مستوفی آمده؛ «مسجد جامع اصحاب ابوحنفیه» است که از آثار دوره سلجوقی به شمار می رود.

به گفته حضرتی‌ها مسجد حیدریه که در مجاورت مدرسه‌ای است و امروزه مسجد-مدرسه حیدریه نامیده می‌شود، احتمالاً قدیمی‌ترین مسجد قزوین بوده است. او توضیح می‌دهد: «قزوین تنها شهری بود که ۲ مسجد جامع داشت؛ یکی مسجد جامع «عتیق» که در مرکز شهر شاپوری واقع و متعلق به شیعیان و شافعی‌ها بود و دیگری مسجدی با همان مشخصات به‌جای مسجد حیدریه که مرکز عبادتی حنفی‌ها بود.» حضرتی‌ها توضیح می‌دهد: «مسجد حیدریه، براثر زلزله‌ای در اواخر قرن چهارم در قزوین تخریب و مسجد فعلی به‌جای آن ساخته شد و ساخت مسجد جدید تقریباً برابر با زمان احداث مسجد جامع عتیق و در سال‌های ۵۰۰ تا ۵۱۰ه.ق است.»

بیشتر مردان میانسال محله که در مدرسه حیدریه تحصیل کرده‌اند به خاطر دارند که از مسجد حیدریه به عنوان سالن امتحانات استفاده می‌شد و برخی معتقدند این بنا در ابتدا آتشکده بوده است.

اما محمدعلی حضرتی‌ها این موضوع را در حد یک گمان می‌داند: «هیچ داده باستان‌شناسی تا به حال این موضوع را تایید نکرده‌است.» این محقق تاریخ به نقل از سید محمد دبیر سیاقی می گوید: «هر نظریه‌ای که برای مسجد جامع عتیق و حیدریه مبنی بر آتشکده بودن آن‌ها مطرح است، نمی‌تواند پذیرفته شود؛ چراکه پی هر دو بنا سلجوقی است و دلیل دیگر این است که معمولا آتشگاه را بر بالای بلندی می‌ساختند.» هرچند حضرتی‌ها توضیح می‌دهد که شاید محل فعلی مسجد حیدریه نسبت به منطقه شاپوری در ارتفاع بالاتری قرار داشته، چرا که شیب ملایمی نسبت به مسجد جامع در آن احساس می کنیم؛ اما این پژوهشگر همچنان معتقد است که این ادعا باید با مستندات باستان‌شناسی همراه باشد تا این فرضیه پذیرفته شود.

● خانه‌های نوسازِ فرو ریخته

کوچه نوید در سمت غربی بلاغی، ساختمان‌های نوساز و سه‌طبقه‌ای دارد که چندتایی از آن‌ها حالا خالی هستند. اهالی می گویند دو سال پیش یکی از ساختمان‌ها نشست کرد و به سمت کوچه کج شد. این انحراف هنوز به‌راحتی و با چشم غیرمسلح قابل تشخیص است.

تقریباً ۴ آپارتمان ۳ طبقه دیگر در اطراف و روبه‌روی این ساختمان تخلیه‌شده‌است.

یکی از اهالی این کوچه معتقد است: «این آفتِ خاکِ نرم بافت‌های قدیمی شهر است که به خاطر قنات‌های زیرزَمینی و چاه‌های عمیق در بافت سنتی ایجاد می‌شود.» او ادامه می‌دهد: «در این بافت‌ها نباید ساختمان‌های بلند ساخته شود و با توجه به اینکه سطح آب‌های زیرزمینی هر سال پایین‌تر می‌رود این خطر بیشتر هم می‌شود و نشست این ساختمان‌ها ناگزیر است.» مهدوی یکی از اهالی کوچه نوید در بلاغی می گوید از یکی از آتش‌نشانان شنیده: «از روی نقشه‌های هوایی مشخص است که قسمت زیرین بیشتر بخش‌های بافت قدیمی قزوین خالی است. خاک این مناطق سست است و قابلیت نشست دارد و در موقع بروز زلزله جزو مناطق پر خطر به شمار می رود.»

طاهره تفنگی، یکی دیگر از ساکنان این کوچه می گوید: «دو سال پیش یک لوله وسط کوچه ترکید و آب زیر ساختمان رفت و می‌بینید که خانه به این شکل درآمده است. بیچاره‌ها تازه خانه خریده بودند. عروس و داماد بودند و هنوز اقساط خانه‌شان مانده است. حالا هم گفته‌اند ساختمان باید تخریب شود.»

حسین بیدخام که منزلی مقابل این خانه دارد، علاوه بر بافت منطقه، سازنده خانه را هم مقصر می‌داند، او می گوید: «از همان اول دیدیم که این خانه اصطلاحاً بسازبفروشی ساخته‌شده بود، لوله آب هم که ترکید بدتر شد. حالا نزدیک دو سال است که حدود ۱۴ خانواده آواره شده‌اند.»

بیدخام به یاد دارد که وقتی کوچه را کندند تا لوله آب را تعمیر کنند، سقف طاقی شکلِ قنات کف کوچه مشخص بود.

این شهروند ادامه می‌دهد: «برای یک ساختمان دیگر هم در اوایل کوچه بلاغی این اتفاق افتاد و ساختمان ۶۰ سانتیمتر کج شد. هرچند درستش کردند؛ اما دیگر کسی راضی نمی‌شود که در آن زندگی کند. کوچه محمدیه هم هر دو ماه یک فرورفتگی دارد.»

بیدخام با اشاره به عقب‌نشینی خانه‌های محل در هنگام نوساز شدن، می گویند: «وقتی یک خانه عقب‌نشینی می کند، باید در نظر گرفته شود که زیر این خانه‌ها معمولاً آب‌انبار یا زیرزمین بوده و برای آسفالت کوچه باید این فضاهای خالی پر شود و گرنه این خرابی‌ها به بار می‌آید.»

هرچند محمدعلی حضرتی‌ها نظر دیگری دارد، او معتقد است که خاک منطقه نشست نمی کند و توضیح می‌دهد: «بلاغی منطقه‌ای است که حداقل ۱۳۰۰ سال مسکونی بوده، در هنگام حمله «خوارزمشاهیان»، «مغول» و «تیمور» تخریب به بخش مسکونی شهر رسید و از آنجایی که هر سه گروه از سمت شرق و از دروازه شرقی شهر وارد قزوین شدند؛ پس بیشترین تخریب در این محله رخ داد؛ اما پس از تخریب، درجاسازی صورت گرفته؛ یعنی روی همان خرابه‌های قبل، خانه‌های جدید ساختند.

ضمن اینکه معابر و محلات قدیمی، محل عبور قنات‌های مختلف شهری هم بود. به علاوه این نکته که حجم ترافیکی و ماشین‌های سنگین هم با توجه به آسیب‌پذیر بودنِ منطقه زیاد است.»

او اضافه می کند: «بخشی از خاک منطقه دستی است و بناها در طول زمان روی خاک دستی قبلی احداث‌شده‌اند و این باعث متزلزل شدن بناها شده است.»

حضرتی‌ها راهکار را خاک‌شناسی منطقه می‌داند و از همه مهم‌تر سازگاری با اقلیم منطقه و وارد نکردن ترافیک سنگین و ساخته نشدن ساختمان‌های بلند.

این حوالی خیلی آب‌انبار نبود اما آب در زیر بیشتر خانه‌ها جاری بود و در حیاط آب داشتند.

***

باوجود همه تخریب‌هایی که مدام گریبان گیر بافت‌های تاریخی است؛ اما بلاغی هنوز محله‌ای زنده است و نبض آن می‌تپد. تقریباً هر بار که از کنار سقاخانه مسجد بلاغی رد شوی، شمعی در آن روشن است، اهالی میوه را از دست فروشان همیشگی محله خودشان می خرند، در هر گذر کسی با دیگری در حال احوالپرسی و خوش و بش است و موقع هر نماز مسجد بلاغی و کوچه های اطرافش پر رفت و آمد است.

● مسجد و سقاخانه بلاغی

● مسجد حیدریه

● مسجد «سوراخ سوراخ»

مسجد «سوراخ سوراخ» یا همان مسجد «محمدیه» که به نقل از کتاب«سیر تاریخی بنای شهر قزوین و بناهای آن» از مساجد خیلی کهن قزوین است که هیچگونه کتیبه و اثری که بانی و تاریخ بنای آنرا نشان بدهند، ندارد. چون ساختمان قدیم رو به ویرانی بود و در سال ۱۳۴۶ به خرج اهل محل و همت مرحوم «میرزا احمد کلجه‌ای» این مسجد از نو تعمیر شد و شبستان وسیعی با ستونهای سنگی بنا کردند.

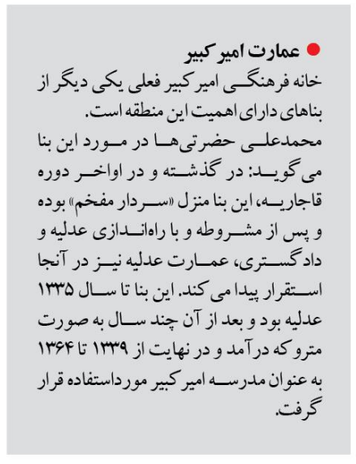

● عمارت امیر کبیر

خانه فرهنگی امیرکبیر فعلی یکی دیگر از بناهای دارای اهمیت این منطقه است.

محمدعلی حضرتی‌ها در مورد این بنا می گوید: در گذشته و در اواخر دوره قاجاریه، این بنا منزل «سردار مفخم» بوده و پس از مشروطه و با راه‌اندازی عدلیه و دادگستری، عمارت عدلیه نیز در آنجا استقرار پیدا می کند. این بنا تا سال ۱۳۳۵ عدلیه بود و بعد از آن چند سال به صورت متروکه درآمد و در نهایت از ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۴ به عنوان مدرسه امیرکبیر مورداستفاده قرار گرفت.